

در نشست «مدرسه، دغدغه‌های دیرین، دیدگاه‌های نوین، چشم‌انداز آینده» بررسی شد:

## مأموریت مدرسه چیست؟

سمانه آزاد/عکاس: اعظم لاریجانی

«مدرسه، دغدغه‌های دیرین، دیدگاه‌های نوین، چشم‌انداز آینده» عنوان نشست نیم‌روزه‌ای بود که با همکاری انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، در خانه اندیشمندان علوم انسانی تهران و با حضور آقایان دکتر محمود امانی تهرانی، دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر محمدرضا سرکارآرانی و دکتر علیرضا سببجانی برگزار شد. دغدغه‌های آموزش و پرورش، مأموریت و کارکرد مدرسه در دنیای امروز، اهمیت زمینه‌های فرهنگی در سناریوهای آموزشی و نیز اهمیت اندیشه‌ورزی آموزگاران، از جمله مباحث مطرح شده در بخش نخست این نشست بود که مشروح آن را در گزارش حاضر می‌خوانید.

### مأموریت مدرسه چیست؟

#### دکتر امانی تهرانی با تأکید بر

عنوان نشست، به دغدغه‌های همیشگی آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «همیشه در آموزش و پرورش این سؤال مطرح بوده است که مأموریت مدرسه چیست؟ امروز دوباره این سؤال مطرح شده و دلیلش هم تغییر وضعیت جامعه است. نیازها، فناوری و دغدغه‌های اجتماعی تغییر کرده و حتی امروزه موضوع خودیادگیری دانش‌آموزان و نرفتن آن‌ها به مدرسه هم مطرح است. بنابراین، باید به این موضوع اندیشید که آیا مدرسه همچنان باید با سازوکار قبلی

باقی بماند یا خیر؟ در فضای کنونی، بعد از مأموریت و کارکرد مدرسه، باید به محتوای آموزشی اندیشید که البته محتوای یادگیری الزاماً به معنای عنوان‌های دروس نیست. در چند سال اخیر، درس‌های جدیدی وارد نظام آموزشی شده‌اند. با اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی نیز عناوین درس‌های جدیدی مانند تفکر و پژوهش، سبک زندگی و کار و فناوری ایجاد شد. این تغییرات در برنامه درسی کشورهای دیگر هم دیده می‌شود. مثلاً ژاپن هر دو سه سال برنامه آموزشی خود را بازنگری کرده و در نظام آموزشی

خود تغییراتی ایجاد کرده است. در انگلستان نیز در یک دوره تحولی، که امسال بیستمین سال خود را گذرانده است، درسی با عنوان طراحی و فناوری پیش‌بینی شده است.» وی بر مبنای عنوان نشست، پرسش دیگری را نیز مطرح کرد و افزود: «به دنبال کارکردی که برای مدرسه تعریف می‌کنیم و نیز به دنبال بسترها و محتوای آموزشی، باید ببینیم در آیین مدرسه‌داری مان چه تغییراتی باید ایجاد شود؟ زمان مدرسه، کارها و آیین‌ها و مقررات مدرسه چه تغییراتی خواهند داشت؟ و مهم‌تر از همه، کنترل کیفیت و ارزشیابی چگونه خواهد بود؟»

**دکتر سرکارآرانی: به گفته یکی از اندیشمندان، بسیاری از مسائل امروز ما ناشی از راه‌حل‌های دیروز است. یعنی شیوه حل مسئله در گذشته، خود به مسئله جدیدی تبدیل شده است**



### زندگی یعنی مسئله

دکتر سرکارآرانی یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود. وی با تأکید بر اینکه سناریوهای آموزشی در زمینه‌های فرهنگی سامان می‌گیرند، دربارهٔ پروژه تحقیقاتی خود با عنوان فرهنگ آموزش<sup>۲</sup> گفت:

«حوزه کاری من بررسی به اصطلاح، دی‌ان‌ای<sup>۳</sup> آموزشی است. به این معنی که معتقدم سناریوهای آموزشی در زمینه‌های فرهنگی سامان می‌گیرند. روش تحقیق ما در این پروژه کدینگ<sup>۴</sup> و دکدینگ<sup>۵</sup> است. یعنی کدهای فرهنگی را پیدا و سپس آن‌ها را به شکل دقیق‌تر و در ابعاد میکرو بررسی می‌کنیم. به این ترتیب، به تفاوت‌هایی پی می‌بریم و متوجه می‌شویم نکاتی که تا به حال شبیه به هم به نظر می‌رسیدند، با هم متفاوت‌اند. مثلاً با این روش متوجه می‌شویم وضعیت آموزشی مالزی و اندونزی یا ایران که تا به حال شبیه به هم به نظر می‌رسیدند، تفاوت‌هایی با هم دارند

و نقشه دی‌ان‌ای آموزشی هر یک از آن‌ها خاص خودشان است، چرا که هر یک در بستر فرهنگی متفاوتی جریان دارند».

دکتر سرکارآرانی از درس پژوهی به عنوان زمینه و بستر این کار تحقیقاتی یاد کرد و با بیان مفهوم «تاب‌آوری» افزود: «یکی از نکاتی که درس پژوهی به ما یادآور می‌شود، مفهوم تاب‌آوری است: کودک تاب‌آور، پدر و مادر تاب‌آور، خانواده تاب‌آور، معلم تاب‌آور، مدرسه تاب‌آور، محله تاب‌آور و در نهایت جامعه تاب‌آور. جوهره همه این‌ها بدان معناست که **زندگی یعنی مسئله**. وقتی می‌گوییم «شما چگونه زندگی می‌کنید؟» بدین معناست که: چگونه مسئله‌های خود را حل می‌کنید؟ چگونه با مسائل زندگی مواجه می‌شوید؟ مسائل را چگونه طبقه‌بندی می‌کنید؟ و به طور خلاصه، نحوه زندگی شما، سبک حل مسئله شماست».

وی ادامه داد: «البته پیش از این‌ها باید به این سؤال پاسخ داد که مسئله چیست و چه تفاوتی با مشکل دارد؟ گاهی اوقات ما با جابه‌جایی مسائل زندگی مان گمان می‌کنیم آن‌ها را حل کرده‌ایم. گاهی اوقات هم گمان می‌کنیم مسئله را حل کرده‌ایم، در حالی که مسئله جدیدی ایجاد کرده‌ایم. به گفته یکی از اندیشمندان، بسیاری از مسائل امروز ما ناشی از راه‌حل‌های دیروز است. یعنی شیوه حل مسئله در گذشته، خود به مسئله جدیدی تبدیل شده است.» سرکارآرانی افزود: «باید یادآور شد که در بحث تاب‌آوری، تعلق اجتماعی تأثیر مهمی دارد؛ چرا که سازه‌های اجتماعی ضعیف، تاب‌آوری ضعیفی دارند. برای اینکه

بتوانیم تنش‌ها را به شکل معقولی مدیریت کنیم، به سازه‌های اجتماعی قوی نیاز داریم. آنچه سازه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را به هم پیوند می‌دهد، تعلق اجتماعی است. بنابراین، تعلق اجتماعی مسئله نخست مدرسه‌های امروز و فرداست».

دکتر سرکارآرانی نوع مأموریت و کارکرد مدرسه را به انتظار ما از چگونگی جامعه وابسته دانست و گفت: «در جهان امروز، پیش از آنکه این پرسش را مطرح کنیم که مأموریت مدرسه چیست و باید چه کاری انجام دهد، باید پرسیم چه جامعه‌ای می‌خواهیم؟ تا تکلیفمان در مورد نوع جامعه مشخص نباشد، مأموریت و کارکرد مدرسه مشخص نمی‌شود. مثلاً در فنلاند هیچ‌وقت برای موفقیت دانش‌آموزان در آزمون‌های تیمز و پرلز برنامه‌ریزی نکرده‌اند. به گفته یکی از مسئولان آموزشی این کشور، تمام دغدغه آن‌ها این است که بدانند برای داشتن جامعه‌ای که در آن همه مردم خوشبخت باشند چه مدرسه‌ای لازم است؟ حال در این رهگذر، موفقیت در آزمون‌هایی مانند تیمز و پرلز هم خواهناخواه به دست می‌آید. می‌بینید که این نگاه و سطح نزاع با نگاه و سطح نزاع ما متفاوت است. سطح نزاع است که مشخص می‌کند شما در چه نقطه‌ای ایستاده‌اید. سطح نزاع است که به ما می‌گوید اکنون مالزی یا کره جنوبی یا اندونزی در چه نقطه‌ای ایستاده‌اند. ۲۸ سال پیش مالزی دانشجو به اندونزی می‌فرستاد، اما امروز در مالزی هر جا که پا می‌گذارید، دانشجوی اندونزیایی می‌بینید. یعنی این کشور در حال حاضر سطح نزاع متفاوتی را تجربه می‌کند».

**دکتر امانی: همیشه در آموزش و پرورش این سؤال مطرح بوده است که مأموریت مدرسه چیست؟ امروز دوباره این سؤال مطرح شده و دلایل هم تغییر وضعیت جامعه است**





**دکتر سبجانی: اگر معلمان ما اندیشه‌ورز نشوند، هیچ اتفاقی در سطوح بالای آموزش و پرورش نمی‌افتد**

**دکتر سرکارآرانی: تا تکلیفمان در مورد نوع جامعه مشخص نباشد، مأموریت و کارکرد مدرسه مشخص نمی‌شود**

درسمان بسته است و امکان ورود به کلاس وجود ندارد. به همین دلیل، ما بصیرت لازم را نسبت به اتفاقات معمول مدرسه پیدا نمی‌کنیم. از همین رو نمی‌توانیم وضع موجود را نقد کنیم و در نتیجه ایده جدیدی هم تولید نمی‌شود و تصمیم‌گیری درستی هم انجام نمی‌گیرد».

دکتر سبجانی درباره اهمیت اندیشه‌ورزی آموزگاران نیز گفت: «من تصور می‌کنم اگر معلمان ما اندیشه‌ورز نشوند، هیچ اتفاقی در سطوح بالای آموزش و پرورش نمی‌افتد. پژوهشگاه‌های آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی نتوانسته‌اند به این دغدغه پاسخ دهند و این مشکل را حل کنند، اما امیدواریم این نگاه میکرو که دکتر سرکارآرانی از آن سخن گفتند، در ایران هم رونق پیدا کند. ما باید در کلاس‌ها را باز کنیم و مشکلات را از درون کلاس‌ها ببینیم، چرا که تا وقتی نسبت به معلم و کلاس بصیرت پیدا نکنیم، امکان تغییر و بهبود ضعف‌ها پیش نخواهد آمد».



**دکتر مهرمحمدی: آموزش و پرورش کشور بیش از آنکه فقر مالی، مادی و تجهیزاتی داشته باشد، با فقر فکر و اندیشه مواجه است**

- پی‌نوشت
1. contexts
  2. culture of teaching
  3. DNA
  4. coding
  5. decoding
  6. micro

از منظر فرهنگی به‌حالت تعلیق درمی‌آوریم. یعنی تحول را به تحول در نگرش جامعه نسبت به مقوله تربیت موقوف می‌کنیم. این هم حرف درستی است، اما اگر قرار باشد با اتکا به این گزاره درست و دقیق، تحول در آموزش و پرورش را به‌حالت تعلیق درآوریم و صورت مسئله تحول را پاک کنیم، ره به ناکجا آباد می‌بریم».

دکتر مهرمحمدی سخنان خود را با این پرسش به پایان رساند که: «اگر موقوف کردن تحول در آموزش و پرورش به توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، پاک کردن صورت مسئله است، پس نقطه عزیمت ما برای تحول باید کجا باشد؟ آیا نقطه عزیمتی متصور است؟ این دور باطل باید از کجا شکسته شود؟ در کشورهای مانند ژاپن و فنلاند چه مجموعه سیاست‌ها و تدابیری در نظام آموزشی اندیشیده شد که امروزه این کشورها توانسته‌اند راه تحول را در پیش گیرند؟»

#### معلمان اندیشه‌ورز، پیشگام تحول

دکتر سبجانی به‌عنوان آخرین سخنران این جلسه نیز دغدغه‌های آموزش و پرورش را دیرین و جهانی توصیف کرد و گفت: «دغدغه‌های آموزش و پرورش هم دیرین هستند و هم جهانی. در همه جای جهان از مدرسه‌هایشان ناراضی هستند و گمان می‌کنند باید کاری بیش از وضع موجود انجام دهند؛ البته سطح نزاع‌ها در کشورهای گوناگون متفاوت است».

وی ادامه داد: «به‌گمان من، نقطه آسیب‌پذیر ما همین جاست که از نگاه میکرو محرومیم، چرا که درهای کلاس‌های

#### ضرورت ارتقای سطح اندیشه‌ورزی در آموزش و پرورش

نقطه آغاز تحول در آموزش و پرورش نیز موضوعی بود که دکتر مهرمحمدی در سخنانی به آن پرداخت و گفت: «من باور دارم، آموزش و پرورش کشور بیش از آنکه فقر مالی، مادی و تجهیزاتی داشته باشد، با فقر فکر و اندیشه مواجه است. بحث‌هایی نظیر آنچه اینجا مطرح می‌شود، نشان از آن دارد که ما باید به این ضعف‌ها به‌طور جدی بپردازیم و بکوشیم سطح اندیشه‌ورزی در آموزش و پرورش ارتقا یابد. شاید برای اینکه به اندیشه‌های خوب دسترسی پیدا کنیم، باید ارتباطمان را با واقعیت‌های کلاس درس و مدرسه بیشتر کنیم. البته قرار گرفتن در معرض اندیشه‌هایی که در آموزش و پرورش کشورهای دیگر جاری و ساری است نیز می‌تواند راهبرد دیگری در این زمینه باشد».

وی در ادامه درباره نقطه آغاز تحول در آموزش و پرورش نیز گفت: «گاهی ایجاد تحول در آموزش و پرورش را به ایجاد تحول در اقتصاد جامعه موقوف می‌کنیم. این بدان معنی است که تا وقتی اقتصاد متحول نشود، آموزش و پرورش نمی‌تواند توسعه پیدا کند و به کیفیت مطلوب برسد. بنابراین، اگر می‌خواهیم آموزش و پرورش به کمال برسد و ترقی کند، باید ابتدا تحول اقتصادی ایجاد شود تا منابع مالی را به نظام آموزشی تزریق کنیم. از سوی دیگر، برخی معتقدند تحول اقتصادی به تحول در آموزش و پرورش و نیروی انسانی کشور وابسته است. به این ترتیب، دور باطلی ایجاد می‌شود و موضوع تحول در آموزش و پرورش به‌حالت تعلیق درمی‌آید».

گاهی نیز تحول در آموزش و پرورش را